

ماجرای ربوده شدن

مرحوم سیدهادی خسروشاهی، محقق نام‌آشنا و مؤرخ برجسته تاریخ معاصر ایران، در واپسین روزهای سال 1398 دیده از جهان فروبست. او علاوه بر این‌که از دوستان و یاران آقا موسی صدر بود و شاهد عینی بسیاری از فعالیت‌های وی، بیشترین تألیف و تصنیف و تحقیق را درباره شخصیت امام صدر به تنهایی انجام داده‌است. کتاب «حدیث روزگار» یکی از آن تألیفات است که حاوی خاطرات جذاب و شنیدنی و مستقیم ایشان از امام صدر می‌باشد. در تهیه پرونده این شماره، قرار بود به محضر ایشان رسیده، درباره رفیق شفیق غایب از نظرش بگوییم و بشنویم. دریغا که تقدیر، موافق تدبیر ما نبود و اجل مهلت این گفتگو را به ما نداد. اینک ضمن درود به روح آسمانی ایشان، مصاحبه ای را که در شهریور ۱۳۹۷ در باب ربایش امام موسی صدر با آن فقید سعید انجام شده است بازنشر می‌نماییم.

به نظر من يك توطئه جهانی بود که از شوروی سابق تا آمریکای حاضر و رهبری باندهای تبهکار فلسطینی همکار با موساد همه در این قضیه درگیر بودند

به گزارش نوید شاهد، سید هادی خسروشاهی می گوید: «این يك مسئله ساده ناشی از حکومت سرهنگها در لیبی نبود. به نظر من يك توطئه جهانی بود که از شوروی سابق تا آمریکای حاضر و رهبری باندهای تبهکار فلسطینی همکار با موساد همه در این قضیه درگیر بودند.» استاد سید هادی خسروشاهی، پژوهشگر تاریخ و از دوستان امام موسی صدر در گفت‌وگو با گروه تاریخ شفاهی مؤسسه امام موسی صدر درباره ربوده شدن امام صدر نکاتی را مطرح کرده است. بخشی از سخنان وی را که در کتاب «حدیث روزگار» منتشر شده در ادامه می‌خوانید.

در مورد آخرین سفر ایشان به لیبی، همان طور که برادر بسیار عزیزمان، شهید چمران نیز، اشاره دارند، این يك مسئله ساده ناشی از حکومت سرهنگها در لیبی نبود. به نظر من يك توطئه جهانی بود که از شوروی سابق تا آمریکای حاضر و رهبری باندهای تبهکار فلسطینی همکار با موساد - که بعدها ماهیت خود را با عملکردشان در قبال مسئله فلسطین نشان دادند - همه در این قضیه درگیر بودند. این مسئله يك توطئه جهانی بود تا ایشان را از صحنه خارج سازند. البته، مرحوم چمران را نیز، در آن سفر دعوت کرده بودند که ایشان

تصمیم می‌گیرد به این مسافرت نرود. خود امام موسی صدر نیز، با توجه به خصوصیات روحی بیمارگونه و خاص سرهنگ قذافی قصد نداشت که به این مسافرت برود، ولی بعد از وساطت بومدین، رئیس‌جمهور سابق الجزایر، تصمیم می‌گیرند که در ماه مبارک رمضان برای حل مشکلات جهان عرب، به‌ویژه، مسئله فلسطین و جنگ‌های داخلی لبنان به این سفر بروند تا بلکه بتوانند سرهنگ را روشن کنند که حقایق صحنه چگونه است و آن طور نیست که باند تبهکار عرفات و یا دیگران مطرح می‌کنند. ولی متأسفانه ایشان گویا به این نکته توجه نداشتند که مهمان کسی می‌شوند که از نظر روحیات و اخلاقیات و شذوذات، رهبر هم این نوع عناصر می‌تواند باشد، عناصری مثل عرفات و... بنا براین، ایشان این سفر را رفتند. ملاقات‌ها دوستانه نبوده و یا اصلاً انجام نشده و ایشان هم به‌طور غیرطبیعی مفقود می‌شوند.

متأسفانه افسرهای حاکم بر لیبی - مانند سرگرد جلاود که به ایران هم آمد - حاضر نشدند مسؤولیت قضیه را بپذیرند و آن را به گردن ایتالیا و کشورهای دیگر انداختند. به نظر من این نوع بازی‌های ماکیاولیستی دیگر نمی‌تواند کارساز باشد و مسؤولیت حاکمان لیبی و در رأس آن‌ها، شخص سرهنگ قذافی در این مسئله به هیچ وجه، نه از جانب مردم ایران و لبنان و جهان اسلام فراموش شده است و نه از لحاظ تاریخی فراموش خواهد شد و به نظر من، لکن ننگی است که با دوز و کلک‌های سیاسی مرسوم در دنیا نیز نمی‌توان آن را پاک کرد. وقتی که يك آدم بی سر و پایی از اسرائیل یا آمریکا گم می‌شود و یا دستگیر می‌شود، دنیا را به آشوب می‌کشند که آدم ما چه شد، ولی شخصیت برجسته جهانی و مفخر عالم اسلام در عصر ما مثل امام موسی صدر می‌رود به لیبی و در آنجا ربهوده می‌شود، آن وقت این‌ها احمقانه می‌گویند که ایشان شبانه به ایتالیا رفت. مسئله به این سادگی نیست که بگویند مسئله تمام شده است. به هر حال، هم مسؤولان دولت قذافی و هم مسؤولان فعلی باید پاسخ‌گوی آنچه در آن کشور رخ داده باشند.

علت اقدام غیرانسانی لیبی علیه امام موسی صدر

تشریح این موضوع نیازمند بحث مستقل و مفصلی است و پرداختن به آن در يك گفتگوی کوتاه مقدور نیست. ولی می‌توان اشاره کرد که بخشی از آن مربوط به مسائل داخلی لبنان و بخش دیگر مربوط به اهداف قذافی در منطقه عربی خاورمیانه بود. از سوی دیگر، امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب، حرکتهای سرنوشت‌ساز امام موسی صدر در منطقه را زیر نظر داشتند و چون به عمق موضوع و تأثیر شگرف کارهای امام موسی صدر پی بردند، خیال کردند که با از میان برداشتن رهبری، مسئله پایان می‌یابد. غافل از آنکه ریشه‌های نهضت مقاومت استوار شده بود

و آثار آن بعدها روشن کرد که طرح امام موسی صدر برای رهایی شیعیان و هم مردم لبنان، بنیادی بوده است. لیبی پس از ربودن امام موسی صدر، چون با واکنش عظیمی در لبنان، ایران و عراق روبه‌رو شد - و هنگامی که با سازمان فتح نیز اختلاف پیدا کرد - مدعی شد که سازمان آزادی‌بخش فلسطین به رهبری عرفات در ربوده شدن امام موسی صدر دخالت داشته است. همان‌طور که بعدها و پس از کشته شدن ابونضال در عراق، مدعی شد که او امام موسی صدر را در فرودگاه لیبی ربوده. اما هم این‌ها افسانه بود و خود قذافی مسؤول اصلی این تراژدی است. در همان زمان، نشریه الثوره، ارگان رسمی ساف، در شماره مورخ 11 دسامبر 1979 میلادی، در مقاله‌ای تحت عنوان «جناب سرهنگ، چرا؟» قذافی را عامل ربودن امام موسی صدر معرفی کرد.



عملکرد قذافی در این زمینه‌ها فقط در این دوره پایان نمی‌پذیرد؛ قذافی با اصرار زیاد شهید فتحی شقاقی رهبر حرکت جهاد اسلامی فلسطین را برای حل قضیه کارگران فلسطینی که خود می‌خواست آن‌ها را از لیبی اخراج کند، به لیبی دعوت کرد. ولی به او یادآور شد که محافظینش همراه نباشند، چون در لیبی حفاظت کامل به عمل خواهد آمد. پس از ملاقاتی بی‌ثمر، احمد جبرئیل و چند نفر دیگر از رهبران فلسطینی با هواپیمایی سوریه عازم دمشق شدند. اما شهید شقاقی بدون حتی يك محافظ به جزیره مالت فرستاده شد و در هتلی که متعلق به لیبیایی‌هاست، سکونت کرد و عصر که برای قدم زدن به بیرون از هتل رفته بود، از سوی گروه ترور موساد که مستقیماً از اسرائیل به جزیره مالت رفته بودند، به شهادت رسید. قذافی مانند حادثه مفقود شدن امام موسی صدر، پاسخی به فلسطینی‌ها نداد که چرا شهید شقاقی را همراه دیگر فلسطینی‌ها به سوریه باز نگرداند. و چرا او را تنها

به جزیره مالت فرستاد. و چه کسی به اسرائیل خبر داد که شهید شقاقی در هتل سرهنگ در مالت سکونت دارد. به هر حال، بدون شك مسؤول اول و آخر ربوده شدن امام موسی صدر، سرهنگ قذافی و دولت لیبی است و راه روشن شدن حقیقت پیگیری جدی و مستقیم و قاطع ایران و لبنان و دیگر کشورهای عربی و اسلامی است و البته ما را امیدی به سازمان‌ها و کشورهای آزادیخواه! حقوق بشری! غربی نیست.